

بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران^۱

Reconsideration of Aesthetic and Artistic Elements for Curriculum in Written Resources and Expert's Viewpoints

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳

H. Garmabi
S. Beheshti (Ph.D)

H. Malaki (Ph.D)
R. Afhami (Ph.D)

حسن علی گرمابی^۲
دکتر سعید بهشتی^۴
دکتر حسن ملکی^۳
دکتر رضا افهمی^۵

Abstract: This research investigated aesthetics and art as a paradigm and perspective for curriculum in order to identify and present the components that this paradigm might include for curriculum. First, the written resources of the two fields of curriculum studies and art, selected through chain sampling, were studied. Next, the viewpoints of experts from the mentioned fields, selected through purposive sampling, were analyzed. The method used in this study was a mixed approach that included library study and interviews for qualitative data and survey and questionnaires for quantitative data. The qualitative data was analyzed through interpretation analysis and deduction and the quantitative was analyzed by descriptive statistics. Content validity and Cronbach's alpha were used in order to estimate the validity and reliability of the research tools. The results showed that aesthetics and art could offer components for curriculum and its elements. The present study identified 73 elements which were evaluated as maintaining adequate aesthetics and art aspects by the experts in the resurveying phase.

Keywords: curriculum, aesthetics, art, components

چکیده: پژوهش حاضر، زیبایی‌شناسی و هنر را به‌عنوان یک پارادایم و چشم انداز برنامه درسی بررسی نموده است تا مؤلفه‌ها و آموزه‌هایی که پارادایم مذکور می‌تواند برای یک برنامه درسی داشته باشد را ارائه کند. بدین منظور ابتدا منابع مکتوب دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر که با روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای بدست آمده بودند مطالعه و سپس دیدگاه صاحب‌نظران دو رشته مذکور که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند بررسی شد. روش تحقیق حاضر از نوع رویکرد آمیخته بود که از روش مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه برای داده‌های کیفی و از روش پیمایشی و پرسشنامه برای داده‌های کمی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل تفسیر و استنباط و جهت داده‌های کمی از آمار توصیفی و در برآورد روایی و پایایی ابزار از روایی محتوایی و آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. نتایج نشان داد زیبایی‌شناسی و هنر می‌توانند برای برنامه درسی و عناصر آن مؤلفه‌هایی ارائه نمایند که در این پژوهش ۷۳ مؤلفه به دست آمد و همه آن‌ها در بررسی مجدد بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران از منظر صبغه هنری و زیبایی‌شناسی داشتن، مناسب تشخیص داده شدند. کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، زیبایی‌شناسی، هنر، مؤلفه

۱. این مقاله از رساله دکتری نویسنده اول استخراج شده است.

۲. دکترای برنامه ریزی درسی از دانشگاه علامه طباطبایی

۳. استاد برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی

۴. استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبایی

۵. استادیار هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

h.garmaby@yahoo.com

malaki_cu@yahoo.com

beheshti@atu.ac.ir

reza.afhami@gmail.com

مقدمه

پيچيدگي روزافزون جامعه امروزي تعليم و تربيت را همچون ساير نهادهاي اجتماعي با چالش ها و مسائل متعددي مواجه ساخته و تلقی ساده انگارانه از برنامه های درسی که به عنوان کانون تعليم و تربيت مطرح هستند، ديگر پاسخگوي مسائل جديد نمی باشد و اين موجب شده تا برنامه های درسی نه به عنوان مجموعه دروس یا مجموعه محتوا بلکه به عنوان یک پديده سياسي، اجتماعي، هنري، بين المللی و غيره مورد بررسی قرار گیرند تا میزان پوچ گرايي و غفلت برنامه های درسی کاهش یابد. بدین منظور در کنار سه مبنای سنتی برنامه درسی یعنی علم، جامعه و یادگیرنده، مبانی دیگری همچون فناوری اطلاعات و ارتباطات، سياست، هنر و زیبایی شناسی، اقتصاد و غيره مدلولاتی برای برنامه های درسی ارائه می نمایند که در صورت عدم توجه به آنها میزان برنامه های درسی پوچ افزایش خواهند یافت. در این راستا زیبایی شناسی و هنر به عنوان یک پارادایم و چشم انداز در تعليم و تربيت و برنامه درسی با کوشش صاحب نظرانی همچون برودی، آیزنر، اسمیت، والانس و غيره مطرح گردیده است و با عبارت هایی از قبیل برنامه درسی به مثابه هنرها و دانستن زیباشناسانه (وونگ، ۲۰۰۵)، برنامه درسی به مثابه یک محصول هنري (والانس، ۱۳۸۸) و تربيت از مجرای هنر (مهرمحمدي، ۱۳۹۰، ونالاین، ۲۰۱۲) این چشم انداز معرفی و بسط داده شده است. مهرمحمدي (۱۳۹۰) در پژوهشی یازده راهبرد را با الهام از عالم زیبایی شناسی و هنر برای بهبود کیفیت آموزش بر می شمارد که عبارت اند از: داشتن منش فکورانه و جرأت ورزی نسبت به تعديل رویه های توصیه شده و تجربه شده، پیش بینی فرصت های یادگیری از نوع پروژه ای، تدارک تجربه شکست، انتخاب قالب بازنمایی مورد دلخواه از سوی دانش آموز، ایجاد انعطاف در برنامه درسی، وارد ساختن شگفت زدگی به جریان تعليم و تربيت، توجه به تأنی و تأمل در تربيت، توجه به اصل اتصال یادگیری های بعدی به آنچه کودکان می توانند تصور کنند، اهتمام به ارزشیابی کیفی، توأم ساختن شناخت باحساس و همچنین توجه به مقوله زیباشناسی و دلنشینی از طریق اهمیت دادن به قالب بیان مقصود و اموری مانند آرایش کلاس و غيره. ونالاین (۲۰۱۲) بیان می نماید که کارکرد هنر در آموزش و پرورش گسترده شده و ما می توانیم درباره هنر در آموزش و پرورش یا آموزش و پرورش از طریق هنر سخن بگوئیم.

بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای ...

این نوع نگاه، زیبایی‌شناسی و هنر را در عرض سایر مبانی برنامه درسی مانند روانشناسی، جامعه و غیره قرار می‌دهد تا بتواند سکونتی زیباشناسانه و هنری برای تصمیمات برنامه ریزان درسی شکل دهد و مؤلفه‌ها و آموزه‌های خود را مانند سایر مبانی به برنامه‌های درسی تزریق نماید. واضح است بهره‌گیری از زیبایی‌شناسی و هنر به‌عنوان یک چشم‌انداز و پارادایم از تربیت هنری که به آموزش هنر و زیبایی‌شناسی می‌پردازد متفاوت و متواسع می‌باشد؛ زیرا در این نگاه جایگاه هنر و زیبایی‌شناسی از یک حوزه محتوایی یا همان آموزش هنر به جایگاه زیبایی‌شناسی و هنر به‌عنوان یک مبنا برای کل برنامه‌های درسی و تربیت و به عبارت دیگر به جایگاه تربیت از طریق هنر ارتقاء می‌یابد و از این طریق همچون سایر مبانی، مؤلفه‌ها و اصولی را برای تعلیم و تربیت می‌تواند ارائه نماید. آیزنر (۲۰۰۲، صص ۱۹۶-۲۰۹) بیان می‌کند «تعلیم و تربیت می‌تواند از هنر ۸ آموزه و درس از قبیل اهمیت دادن به تخیل، توجه به انگیزه درونی و غیره را فرا بگیرد». اسمیت (۲۰۰۴، ص ۱۶۳) نیز می‌گوید «نظریه پردازان برنامه درسی جنبه‌های متنوع تحصیل آموزشگاهی، تدریس، یادگیری، ارزشیابی، مدیریت و جو مدرسه را از چشم انداز زیبایی‌شناسی بررسی می‌کنند». به نظر برودی (به نقل از رضایی، ۱۳۸۳) تجربه یاددهی معلم و تجربه یادگیری دانش‌آموز تجربه زیباشناسانه‌ای است که صبغه هنری آن‌ها قضاوت و تصمیم‌گیری و عمل معلم و شاگرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوروزی و متقی (۱۳۸۸) نیز با بررسی پیامدهای تربیتی دیدگاه زیبایی‌شناسی علامه جعفری بیان می‌نمایند آنچه در بحث زیبایی‌شناسی مورد نظر علامه است، شامل تمام جنبه‌های تعلیم و تربیت و در همه حوزه‌های یادگیری می‌باشد و در واقع، وی کاملاً تربیت زیبایی‌شناختی را از تربیت هنری که شامل آموزش صرف هنر است، تفکیک و از معنای محدود خارج می‌کند و آن را یکی از جنبه‌های تربیت زیبایی‌شناختی می‌داند.

نگاهی به مدل‌های برنامه‌ریزی درسی از قبیل مدل تایلر (۱۳۸۳)، مدل وارونه تابا^۱ (به نقل از هسن^۲، ۲۰۱۰، ص ۱۴۰) مدل التقاطی زایس^۳ (همان منبع، ص ۱۴۸)، مدل طبیعت‌گرای واکر^۴ (به نقل از مارش، ۲۰۰۴، ص ۲۰۶)، مدل برنامه درسی متوازن تاملینسون^۵ و همکاران (۲۰۰۹)،

-
1. The Taba inverted model
 2. Henson
 3. The Zais eclectic model
 4. Walkers naturalistic model
 5. The Tomlinson parallel curriculum model

ص ۱۵) و غیره که در ادبیات رشته مطالعات برنامه درسی شاهد آن‌ها هستیم نشان می‌دهد که حوزه زیبایی‌شناسی و هنر در مدل‌های برنامه درسی جایگاه چندانی نداشته است؛ و از این منظر می‌توان گفت که بهره‌گیری از هنر در ظرفیت تعدیل یا تصحیح نگاه به کل جریان تعلیم و تربیت و دستیابی به چشم انداز، فلسفه و پارادایم جدیدی است که کاملاً در حاشیه نگاه داشته شده لذا توجه به آن از اولویت برخوردار است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰).

حال اگر آموزش و پرورش می‌تواند از طریق هنر صورت بگیرد یا زیبایی‌شناسی و هنر می‌تواند گزاره‌های تجویزی برای تدوین و اجرای برنامه‌های درسی ارائه نمایند این گزاره‌ها شامل چه مؤلفه‌ها و مواردی می‌باشند؟ اگر بخواهیم عناصر برنامه درسی از قبیل هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و ارزشیابی را بر اساس زیبایی‌شناسی و هنر بدون توجه به حوزه یادگیری خاصی تعیین کنیم چه اصول و مصادیقی را می‌توان از عالم زیبایی‌شناسی و هنر به عاریت گرفت و بکار بست؟ از این رو تحقیق حاضر سعی نموده با پاسخ به سؤالات زیر، مؤلفه‌هایی که زیبایی‌شناسی و هنر می‌توانند برای یک برنامه درسی ارائه نمایند را بدست آورد.

- ۱- بر اساس منابع مکتوب دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر، زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی چه مؤلفه‌هایی می‌توانند ارائه نمایند؟
- ۲- بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر، زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی چه مؤلفه‌هایی می‌توانند ارائه نمایند؟
- ۳- مؤلفه‌های بدست آمده از منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران تا چه اندازه مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنری به شمار می‌آیند؟

روش‌شناسی

این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی بوده که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و پیمایشی انجام شده است. از لحاظ ماهیت گردآوری داده‌ها دارای رویکرد آمیخته می‌باشد که داده‌های کیفی آن از منابع مکتوب و مصاحبه با صاحب‌نظران گردآوری شده و داده‌های کمی نیز از طریق پرسشنامه بدست آمده است.

برای نمونه‌گیری از جامعه مکتوب انگلیسی و فارسی دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع زنجیره‌ای استفاده شد و برای تعیین نمونه از جامعه

بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای ...

صاحب‌نظران رشته مطالعات برنامه درسی و رشته هنر از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد به این طریق که نمونه از صاحب‌نظران مطالعات برنامه درسی دانشگاه‌های علامه طباطبائی، تهران، تربیت مدرس، خوارزمی و شهید بهشتی تهران بدست آمد و همچنین نمونه صاحب‌نظران هنر از اساتیدی که در زمینه فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی و پژوهش هنر فعالیت علمی داشته‌اند از دانشگاه تهران، تربیت مدرس و دانشگاه هنر تهران انتخاب گردیدند.

جدول (۱-۳): تعداد افراد نمونه آماری جامعه صاحب‌نظران دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر

رشته صاحب‌نظران	مصاحبه	تکمیل پرسشنامه
مطالعات برنامه درسی	۵	۹
هنر و زیبایی‌شناسی	۴	۹
کل	۹	۱۸

در گردآوری داده‌ها از ابزار فیش برداری برای مطالعه منابع مکتوب و از مصاحبه با روش هدایت کلیات و پرسشنامه تنظیم شده با طیف لیکرت برای احصاء دیدگاه صاحب‌نظران استفاده شد. بررسی روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی انجام شده و جهت برآورد پایایی آن ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه شد که این ضریب برابر با ۰/۹۸ بود. در تجزیه و تحلیل، برای داده‌های بدست آمده از منابع مکتوب و مصاحبه از تحلیل تفسیر استفاده شد که تحلیل تفسیر به دنبال یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهای است که برای توصیف و تبیین پدیده مورد پژوهش به کار می‌رود (گال و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۷۷). برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه نیز از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، فراوانی درصدی) بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول) بر اساس منابع مکتوب دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر، زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی چه مؤلفه‌هایی می‌توانند ارائه نمایند؟

برای پاسخ به این سؤال، نمونه بدست آمده از منابع مکتوب مطالعه و گزاره‌هایی به تفکیک عناصر چهارگانه هدف، محتوا، روش و ارزشیابی بدست آمد که این گزاره‌ها به همراه برخی از

منابعی که بستر مفهومی و موضوعی گزاره‌ها در آن منابع خواه به طور مستقیم و خواه به طور غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: تلخیص مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنری استنتاجی مکتوب به تفکیک عناصر

عناصر	مؤلفه‌ها	منابع حمایتگر (مستقیم یا غیرمستقیم)
هدف	ایجاد و پرورش سواد رسانه‌های مختلف	رضای الهی (۱۳۵۴، ص ۱۷۹)؛ آیزنر (۲۰۰۵)؛ فردت (۱۹۹۳) سوانه (۱۳۸۸)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰)
	پرورش خلاقیت	تاج‌دینی (۱۳۶۹، ص ۲۵۹)؛ گرین (۱۹۸۴)؛ ویلر (۱۹۷۱) آیزنر (۲۰۰۲)؛ آیزنر (۲۰۰۵)؛ جعفری (به نقل از حسن زاده، ۱۳۹۲)؛ ریتسون و اسمیت (۱۹۷۵)
	پرورش قوه شهود و استعلا	فنیکس (۱۹۷۱)؛ هگل (به نقل از احمدی، ۱۳۸۴)؛ حسین زاده، (۱۳۸۳)
	پرورش تخیل	هربرت رید (۱۹۵۴، ص ۲۹)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰)؛ آیزنر (۲۰۰۵)؛ تاج‌دینی (۱۳۶۹)؛ بستانی (۱۳۷۱)؛ ریتسون و اسمیت (۱۹۷۵)
هدف	توجه به اهداف عاطفی و تلفیق آن با اهداف سایر حیطه‌ها	بستانی (۱۳۷۱، ص ۴۲) جعفری (۱۳۶۹)؛ رضای الهی (۱۳۵۴)
	پرورش همه حواس دریافتی پنج‌گانه	آیزنر (۲۰۰۵)؛ سوانه (۱۳۸۸) حسین زاده (۱۳۸۳)؛ هربرت رید (۱۹۵۴)
	انعطاف‌پذیری اهداف	آیزنر (۲۰۰۵)؛ آیزنر (۲۰۰۲)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰)
محتوا	تهیه محتواهای مختلف (نیمه تجویزی) در فرم‌های مختلف بازنمایی اطلاعات	ویلر (۱۹۷۱، ص ۳۳۸)؛ آیزنر (۲۰۰۵)
	تلفیق هنر با سایر دروس	اسمیت (۲۰۰۸)؛ آیزنر (۲۰۰۵)؛ اسمیت (۱۹۷۱) کارول (به نقل از اسمیت، ۲۰۰۸)؛ آیزنر (۲۰۰۲)؛ دیویی (۱۹۳۴)؛ پیراگاسام و همکاران (۲۰۱۳)؛ پریولو و چرنوبیل اسکای (۲۰۰۹)؛ شرفی (۱۳۹۰)؛ ریتسون و اسمیت (۱۹۷۵)
	توجه به توانایی افراد از منظر رشد	رشید و دیگران (۱۳۸۷)؛ نصر (۱۳۸۹)؛ آیزنر (۱۹۷۷)

عنصر	مؤلفه‌ها	منابع حمایتگر (مستقیم یا غیرمستقیم)
محتوا	زیباشناختی در استفاده از قالب‌های هنری	آیت اله مصباح (به نقل از تاجیک و حسینی، ۱۳۸۹)
	برقراری شباهت بین پدیده‌های مختلف به ظاهر ناهمخوان	آیزنر (۲۰۰۲)
	استفاده از احادیث و دعا‌های هنری	بستانی (۱۳۷۱)؛ مطهری (به نقل از تاجدینی، ۱۳۶۹، ص ۱۸) مطهری الهامی (۱۳۸۹)
	استفاده از شعر، قصه، داستان، تمثیل و امثالهم	ایتون ^۱ (به نقل از اسمیت، ۲۰۰۸) آیزنر (۲۰۰۲)؛ رضای الهی (۱۳۵۴)؛ تاجدینی (۱۳۶۹)؛ مطهری الهامی (۱۳۸۹)؛
	توجه به علاقه‌های زیباشناختی و هنری یادگیرندگان	نوروزی و متقی (۱۳۸۸)؛ افلاطون، ارسطو، سارتر و آیزنر (به نقل از احمدی، ۱۳۸۴) حسین زاده (۱۳۸۳)؛ برنامه درسی ملی (۱۳۹۰، ص ۱۳۵)
	تعیین محتوا راجع به اتصال زیبایی‌ها به جمال الهی و سازماندهی آن در تمام حوزه‌های یادگیری با شیوه چند رشته‌ای	تاجدینی (۱۳۶۹، ص ۷۹)؛ نصر (۱۳۸۹، ص ۴۷)؛ مطهری الهامی، (۱۳۸۹)؛ آیت اله مصباح (به نقل از تاجیک و حسینی، ۱۳۸۹)؛ جعفری (۱۳۶۹)؛
روش	ارتقا جایگاه هنر در مدارس	آیزنر (۲۰۰۵)؛ فرویل (به نقل از رضای الهی، ۱۳۵۴)؛ دیویی (۱۹۳۴)؛ مهرمحمدی (۱۳۸۳)؛ آمادیو و دیگران (۲۰۰۶، ص ۱۸)؛ رونی (۲۰۰۴)
	فراهم نمودن رضایت درونی یادگیرنده راجع به یادگیری و درس	آیزنر (۲۰۰۲)؛ اسمیت (۱۹۷۱)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰) آیزنر (۲۰۰۵)؛ تاجدینی (۱۳۶۹)
	تخصیص برخی از ساعات کار معلمان هنر به مشاوره زیباشناختی	آرنشتاین (۱۹۷۱، ص ۴۱۲) رونی (۲۰۰۴)
	استفاده از روش پروژه در تدریس	ریتسون و اسمیت (۱۹۷۵)؛ آیزنر (۲۰۰۵)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰) آیزنر (۲۰۰۲)
	فراهم‌سازی فرصت تمرین و کاربرد	آیزنر (۲۰۰۲)

عنصر	مؤلفه‌ها	منابع حمایتگر (مستقیم یا غیرمستقیم)
	آموخته‌ها	
	فراهم‌سازی موجبات عشق و علاقه معلم به دانش‌آموزان و یادگیری آنان	سیمپوز و دیگران (۲۰۰۵) تاجدینی (۱۳۶۹)؛ حسین زاده (۱۳۸۳)
	توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان	آیزنر (۲۰۰۵)؛ نوروزی و متقی (۱۳۸۸) حسین زاده (۱۳۸۳)
	سازماندهی فضاهای یادگیری غنی بر اساس حوزه‌های یادگیری (درس‌ها)	آیزنر (۲۰۰۵) حسین زاده (۱۳۸۳)
	توجه معلمان به ملاحظات ارزشی و عوامل فرهنگی غالب	گوتشالک (به نقل از آیزنر، ۲۰۰۲)
	آموزش فنون هنری از قبیل مجری‌گری، بازیگری، خوشنویسی، و غیره به معلمان	تراورس (به نقل از اسمیت، ۲۰۰۸)؛ تاجدینی (۱۳۶۹)، ص ۲۰ جنکینز (به نقل از اسمیت، ۲۰۰۸)؛ گوتشالک (به نقل از آیزنر، ۲۰۰۲)
روش	تلفیق مطالب تدریس با احساس و عاطفه	جعفری (۱۳۶۸)؛ نوروزی و متقی (۱۳۸۸)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰) رضای الهی (۱۳۵۴)
	توجه معلمان به زیبایی و آراستگی ظاهری	مطهری الهامی (۱۳۸۹، ص ۷۱)
	فراهم نمودن تجارب زیباشناختی	آیزنر (۲۰۰۲)؛ نوروزی و متقی (۱۳۸۸) اسمیت (۲۰۰۸، ۲۰۰۴)؛ سیمپوز و دیگران (۲۰۰۵)؛
	توجه به همه سطوح و انواع مختلف زیبایی‌ها در حین بهره‌گیری از آن‌ها	کانت (به نقل از رضای الهی، ۱۳۵۴)؛ سوانه (۱۳۸۸)؛ جعفری (۱۳۶۹، ص ۱۱۹) تاجدینی (۱۳۶۹)؛ مطهری الهامی (۱۳۸۹)
	فراهم نمودن موقعیت‌های مسئله مدار جهت شگفت زدگی، تأنی و تأمل زیباشناختی	مهرمحمدی (۱۳۹۰)؛ برودی (به نقل از حسن زاده، ۱۳۹۲)؛ جعفری (به نقل از حسن زاده، ۱۳۹۲)؛
	استفاده از فیلم، انیمیشن و سایر ابزارهای هنری چندرسانه‌ای	آرواسمیت (۱۹۷۱، ص ۵۲۰)؛ فردت (۱۹۹۳) آیزنر (۲۰۰۵)؛ حسین زاده (۱۳۸۳)؛
	فراهم‌سازی فرصت مباحثه‌های انتقادی	اشنر (۱۹۷۱، ص ۴۳۳)؛ دیویی (۱۹۶۶، ص ۳۵۳)؛ اسمیت (۱۹۷۱b)
روش	ارزشگذاری به مرحله جرقه روشنگرانه	روزاریو، ۱۹۸۸، به نقل از فتحي واجارگاه، (۱۳۸۶)؛

عنصر	مؤلفه‌ها	منابع حمایتگر (مستقیم یا غیرمستقیم)
	و لحظه کشف بینش جدید	جعفری (۱۳۶۹)
	توجه به مسئله هنر و زیبایی‌شناسی در ساماندهی و آرایش محیط کلاس و مدرسه	هربرت رید، ۱۹۵۴، ص ۲۳۹ و صص ۲۹۹-۲۹۸؛ سیمپونز و دیگران (۲۰۰۵)؛ حسین زاده (۱۳۸۳)؛ نوروزی و متقی (۱۳۸۸)
	تلفیق آموزش‌ها با بازی	هربرت رید (۱۹۵۴، صص ۲۲۴-۲۲۳)؛ ریتسون و اسمیت (۱۹۷۵)؛ احمدی (۱۳۸۴)؛ اسمیت (۲۰۰۸) دیویی (به نقل از رضای الهی، ۱۳۵۴)
	روی آوردن به تدریس خلاق	ریتسون و اسمیت (۱۹۷۵) ویلر (۱۹۷۱)؛ ماکسین گرین (۱۹۸۴)؛ تاج‌دینی (۱۳۶۹)
	استفاده از خبرگی و نقادی آموزشی	آیزنر (۲۰۰۵، ص ۴۱ و ص ۵۱)؛ والانس (۱۹۹۱)، ترجمه مهرمحمدی، (۱۳۸۸)؛ آیزنر (۲۰۰۲، ص ۱۹۰)
ارزشیابی	توجه به ارزشیابی کیفی	آیزنر (۲۰۰۲، ص ۱۸۰)؛ کریتندن (به نقل از اسمیت (۲۰۰۸)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰، ص ۳۰)
	ارزشیابی علاوه بر نتیجه به فرایند توجه نماید	آیزنر (۲۰۰۲، ص ۱۸۰)؛ آیزنر (۲۰۰۵)
	توجه به راه‌حل‌های بدیل و آلترناتیو یک مسئله	آیزنر (۲۰۰۲، ص ۱۹۶)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰) آیزنر (۲۰۰۵)
	در ارزشیابی آثار دانش‌آموزان علاوه بر کیفیت‌های فنی به بُعد زیباشناختی آن‌ها نیز توجه شود	آیزنر (۲۰۰۵)؛ آیزنر (۲۰۰۲، ص ۱۸۳)
	ارزشیابی همه‌جانبه و کل‌گرا باشد	میلر (ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۸۶)؛ مهرمحمدی (۱۳۹۰)؛ آیزنر (۲۰۰۲) برودی (به نقل از رضایی؛ ۱۳۸۳)
	تفویض اختیار به دانش‌آموز جهت انتخاب فرم بازنمایی مورد دلخواه برای ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد خویش	آیزنر (۲۰۰۵)
	توجه به میزان وحدت و هماهنگی بین تمام قسمت‌های برنامه درسی	نصر (۱۳۸۹، ص ۳۸) جعفری (۱۳۶۹)

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در منابع گوناگون مکتوب به طور مستقیم و غیرمستقیم به الهاماتی که حوزه هنر و زیبایی‌شناسی برای یک برنامه درسی می‌توانند داشته باشند مورد اشاره قرار گرفته است. برای مثال نظر به وجود قالب‌های مختلف بازنمایی اطلاعات در حوزه هنر، پرورش سواد رسانه‌های مختلف در یادگیرندگان به‌عنوان هدف، استفاده از قالب‌های مختلف بازنمایی اطلاعات در ارائه محتواهای مختلف به شکل نیمه تجویزی در یک موضوع خاص، آشنایی معلمان با رشته‌های مختلف هنری و استفاده از قابلیت‌های آن رشته‌ها در عنصر روش و تفویض اختیار به یادگیرنده جهت انتخاب فرم بازنمایی مورد دلخواه در ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد خویش در عنصر ارزشیابی به‌عنوان آموزه هنر و زیبایی‌شناسی قابل طرح است. به همین ترتیب سایر آموزه‌های مطرح شده نیز مؤلفه‌هایی هستند که از بررسی منابع مکتوب به‌عنوان گزاره‌های تجویزی هنر و زیبایی‌شناسی برای برنامه درسی به دست آمده‌اند.

سؤال دوم) بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر، زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی چه مؤلفه‌هایی می‌توانند ارائه نمایند؟ مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنری از منظر دیدگاه صاحب‌نظران رشته‌های مطالعات برنامه درسی و هنری که از طریق مصاحبه بدست آمده در جدول شماره ۳ ذکر شده است.

جدول شماره ۳: مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنری استنتاجی از دیدگاه صاحب‌نظران به تفکیک عناصر

ردیف	مؤلفه‌ها	شماره صاحب‌نظر	شماره صاحب‌نظر و زیبایی‌شناسی
هدف	رعایت تناسب و انسجام بین اهداف برنامه درسی	۱	
	پرورش قوه خیال	۱،۵	۲
	جذابیت هدف‌ها از طریق ملموس سازی و محسوس سازی	۱	
	اتصال اهداف به زیبایی‌های خلقت	۲	
	پرورش و هدایت میل زیباجویی و زیباگرایی کودکان	۲	
	اهداف متعادل باشند	۲	
	تعیین اهداف مبتنی بر تفاوت‌های فردی و رشد زیبایی‌شناسی	۳،۵	
	پرورش تفکر انتقادی	۳	۲

ردیف	مؤلفه‌ها	شماره شماره صاحب- نظر برنامه درسی	شماره صاحب‌نظر هنر و زیبایی‌شناسی
هدف	توجه به وجه انسانی هنر یعنی نقش هنر در شکوفایی آدمی و پیشرفت ارتباطات انسانی و اجتماعی	۴	
	پرورش خلاقیت و تفکر واگرا	۴	۳
	اهداف باز، کلی و انعطاف‌پذیر باشند	۵	۱،۴،۵
	افزایش توان و قدرت بیانی افراد	۴	۳،۲
	پرورش قوه شهود	۵	
محتوا	تعادل محتوا از منظر توجه به حیطه‌های مختلف یادگیری	۲	
	استفاده از رویکرد سازماندهی چند رشته‌ای جهت معرفی زیبایی‌ها در همه دروس	۲	
	تبیین وجه انسانگرایانه هنر با رویکرد سازماندهی چندرشته‌ای در همه دروس	۴	
	آشنایی با میراث فرهنگی	۴	
	توجه و ارتقا جایگاه حوزه یادگیری هنر	۴	
	استفاده از قابلیت‌های همه رشته‌های هنری مثل نقاشی، قصه، انیمیشن و غیره برای غنابخشی محتوا	۴،۱	۱،۲
	پیش‌بینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه تصویر، طرح و غیره از سوی دانش‌آموزان		۱
	توجه به خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی		۱
	توجه به ویژگی‌های جنسیتی دانش‌آموزان		۱
	توجه به مسائل روزمره زندگی و زیست‌محیطی		۲
	حمایت محتوا از توسعه دید جهانی و مسائل بین‌المللی		۳
	نشانه گرفتن ترکیبی از حواس پنج‌گانه از سوی محتوا		۳
	استفاده از هنرشناس (کارشناس هنر) در تیم برنامه‌ریزی درسی		۴
روش	استفاده از قالب‌های دیداری برای محسوس سازی تدریس	۱	
	استفاده از زیبایی‌های پدیدار شونده در موقعیت تدریس	۲	
	استفاده از زیبایی‌های موجود در موقعیت‌های زمانی و مکانی خاص مانند غروب، بارش برف	۲	
	زیبا و شاداب سازی فضای فیزیکی، عاطفی و روانی اجتماعی با استفاده از قواعد زیباشناختی، روانشناسی رنگ‌ها، ارتباطات و غیره	۲،۵	۱،۲،۴
	استفاده از قابلیت‌ها و ابزارهای هنری در تدریس	۳	۱
استفاده از روش‌های طبیعت‌گرایانه مانند بازی، نمایش و غیره	۴،۲	۱	

ردیف	مؤلفه‌ها	شماره صاحب- نظر برنامه درسی	شماره صاحب‌نظر هنر و زیبایی‌شناسی
	استفاده از روش‌های کارگاهی و مبتنی بر تجربه و فعالیت	۴،۵	
	آراستگی مناسب معلم و استفاده از لباس‌های محلی شاد و مصنوعات ایام خاص	۴	۲
	پیش‌بینی و استفاده از گالری‌های مخصوص رشته‌های مختلف درسی		۳
	دادن آزادی به شاگردان جهت تصمیم‌گیری درباره تغییر محیط فیزیکی		۳
	پیش‌بینی فضاهای سبز برای حرف زدن، مکان آزاد برای رفتار فردی		۳
	پیش‌بینی محیط‌های متغیر و ملتی مدیا و دیجیتالی		۳
	نگهداری از برخی حیوانات و پرورش فضای سبز در مدرسه		۳
	آشنایی معلمان با هنر و زیبایی‌شناسی و قابلیت‌های آن در تدریس	۴	۳،۲
	ایجاد کاتارسیس در شاگردان		۴
	استفاده از علائمی جهت تحریک و فعال‌سازی قسمت ناخودآگاه ذهن یادگیرنده		۴
	تقویت امید، عزت‌نفس و خودپنداره مثبت در یادگیرندگان	۱	
ارزشیابی	توجه به راه‌حل‌های بدیع و بدیل یک مسئله	۳	۳
	استفاده از رویکرد کیفی، توصیفی تفسیری	۳،۴	۴
ارزشیابی	استفاده از ارزشیابی اصیل ^۱ ، باز و کل‌گرایانه بر اساس حس و اشکال گوناگون بازنمایی	۵	۱
	استفاده از ارزشیابی مستمر جهت زنده نگه‌داشتن رابطه شاگرد با معلم، شاگرد با درس و غیره		۲

جدول ۳ نشان می‌دهد که برخی از گزاره‌هایی اشاره شده در آن، از سوی یک صاحب‌نظر و برخی دیگر از سوی چند صاحب‌نظر مورد تأکید واقع شده است به طور مثال رعایت تناسب و انسجام بین اهداف برنامه درسی تنها از سوی یک صاحب‌نظر اشاره شده ولی پرورش تخیل از سوی ۲ صاحب‌نظر برنامه درسی و یک صاحب‌نظر هنر مورد تأکید قرار گرفته است نکته دیگر اینکه برخی مؤلفه‌های بدست آمده با مؤلفه‌های بدست آمده از منابع مکتوب مشترک بوده و برخی نیز مانند جذابیت اهداف از طریق محسوس سازی آن‌ها که در عنصر هدف به آن

بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای ...

اشاره شده، معرفی زیبایی‌ها در محتوای همه دروس، در عنصر روش استفاده از زیبایی‌های پدیدارشنونده هنگام تدریس و در عنصر ارزشیابی تقویت عزت نفس یادگیرندگان هنگام ارزشیابی آنان، مواردی هستند که در منابع مکتوب بررسی شده توسط محقق بدان‌ها اشاره نشده بود.

سؤال ۳) مؤلفه‌های بدست آمده از منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران تا چه اندازه مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنری به شمار می‌آیند؟
با توجه به داده‌های به دست آمده از دو سؤال قبل و با ترکیب مؤلفه‌های مشابه، ۷۳ مؤلفه مطابق جدول شماره ۴ به دست آمد.

جدول شماره ۴: مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنری بدست آمده برای برنامه درسی از منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران

۳	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی	۳	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی	۳	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی
۱	ایجاد و پرورش انواع سواد‌های رسانه‌ای مختلف	۲۶	ارتقا جایگاه هنر در مدارس	۵۱	فراهم نمودن موقعیت‌های مسئله مدار
۲	پرورش خلاقیت و تفکر واگرا	۲۷	توجه متعادل محتوا به حیطه‌های مختلف یادگیری	۵۲	ارزشگذاری به لحظه جرعه روشنگرانه و کشف بینش
۳	پرورش قوه شهود	۲۸	استفاده از رویکرد سازماندهی چندرشته‌ای جهت معرفی زیبایی‌ها	۵۳	روی آوردن به تدریس خلاق
۴	پرورش تخیل	۲۹	پیش‌بینی و فراهم نمودن فرصت تجارب دست اول برای کودکان	۵۴	استفاده از زیبایی‌های پدیدارشنونده در موقعیت تدریس
۵	توجه به اهداف حیطه عاطفی و تلفیق با سایر حیطه‌ها	۳۰	اهمیت دادن به اختیار و آزادی شاگردان	۵۵	زیبا و شاداب سازی فضای فیزیکی، عاطفی و روانی اجتماعی
۶	پرورش حواس دریافتی پنج‌گانه	۳۱	تبیین وجه انسان‌گرایانه هنر با رویکرد سازماندهی چندرشته ای	۵۶	استفاده از روش‌های طبیعت‌گرایانه و فعالیت‌های آزاد
۷	رعایت تناسب و انسجام بین اهداف برنامه درسی	۳۲	آشنایی با میراث فرهنگی و سنن زیبایی‌شناسی	۵۷	آراستگی مناسب معلم و استفاده از لباس مناسب در ایام خاص



۳	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی	۳	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی
۸	جذابت هدف‌ها از طریق ملموس سازی و محسوس سازی	۳۳	استفاده از قابلیت‌های همه رشته‌های هنری در ملموس سازی محتوا
۹	ارتباط اهداف با زیبایی‌های خلقت	۳۴	پیش‌بینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه تصویر، طرح و غیره از سوی دانش‌آموزان
۱۰	پرورش و هدایت میل زیباجویی و زیبایی‌شناسی کودکان	۳۵	توجه به خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی
۱۱	متعادل بودن اهداف از منظر ابعاد مختلف وجود یادگیرنده	۳۶	توجه به ویژگی‌های جنسیتی دانش‌آموزان
۱۲	تناسب برنامه درسی با تفاوت‌های فردی	۳۷	توجه انتقادی به مسائل روزمره زندگی
۱۳	پرورش تفکر انتقادی و ایجاد فرصت مباحثه‌های انتقادی	۳۸	حمایت محتوا از توسعه دید جهانی و مسائل بین‌المللی
۱۴	توجه به وجه انسانی هنر یعنی نقش هنر در شکوفایی آدمی و ارتباطات انسانی و اجتماعی	۳۹	نشانه گرفتن و بکار انداختن چند حس دریافتی از حواس پنج‌گانه به صورت ترکیبی از سوی محتوا
۱۵	تناسب اهداف با رشد زیبایی‌شناسی (حسی تصویری تخیلی)	۴۰	استفاده از هنرشناس (کارشناس هنر) در تیم برنامه‌ریزی درسی
۱۶	کلی و قابل انعطاف بودن اهداف	۴۱	فراهم نمودن رضایت درونی یادگیرنده راجع به یادگیری
۱۷	افزایش توان و قدرت بیانی معلمان و	۴۲	استفاده از معلمان هنر به‌عنوان مشاور زیبایی‌شناسی در مدرسه

۳۶	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی	۳۶	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی	۳۶	مؤلفه زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی
	آثار				یادگیرندگان
۱۸	توسعه نگرش کودکان نسبت به محیط زیست و جامعه	۴۳	استفاده از روش‌های کارگاهی و پروژه در تدریس	۶۸	تفویض اختیار به دانش‌آموز در انتخاب فرم بازنمایی برای ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد خود
۱۹	تهیه محتواهای مختلف به صورت نیمه تجویزی با استفاده از قالب‌های بازنمایی اطلاعات	۴۴	فراهم‌سازی فرصت تمرین و کاربرد آموخته‌ها	۶۹	توجه به میزان وحدت و هماهنگی بین تمام قسمت‌های برنامه درسی در ارزشیابی برنامه درسی
۲۰	تلفیق هنر و زیبایی‌شناسی با سایر دروس	۴۵	فراهم‌سازی موجبات عشق و علاقه معلم به دانش‌آموزان و یادگیری آنان	۷۰	تقویت امید و عزت نفس در یادگیرندگان هنگام ارزشیابی
۲۱	توجه به توانایی افراد از منظر رشد زیبایی‌شناسی در استفاده از قالب‌های هنری	۴۶	سازماندهی فضاها و یادگیری غنی بر اساس حوزه‌های یادگیری (درس‌ها)	۷۱	استفاده از رویکرد کیفی، توصیفی تفسیری در ارزشیابی
۲۲	برقراری شباهت بین پدیده‌های به ظاهر ناهمخوان	۴۷	توجه معلمان به ملاحظات ارزشی و عوامل فرهنگی غالب	۷۲	استفاده از ارزشیابی اصیل، باز و کل گرایانه
۲۳	استفاده از احادیث و دعاهای هنری	۴۸	آشنایی معلمان با هنر و زیبایی‌شناسی و برخی فنون هنری	۷۳	استفاده از ارزشیابی مستمر جهت زنده نگه داشتن رابطه شاگرد با معلم، شاگرد با درس و غیره
۲۴	توجه به علاقه‌های زیبایی‌شناسی و هنری یادگیرندگان	۴۹	فراهم نمودن تجارب زیباشناختی		
۲۵	ارتباط محتوا با زیبایی و جمال الهی و ظهور و بروز آن در همه حوزه‌های یادگیری	۵۰	توجه به همه سطوح و انواع مختلف زیبایی‌ها در حین بهره‌گیری از آن‌ها		

گزاره‌هایی که تحت عنوان مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر، محقق از منابع ادبیات مطالعات برنامه درسی و مصاحبه با صاحب‌نظران بدست آورده است در این مرحله جهت اعتباربخشی و ارزیابی میزان تناسب آن‌ها با حوزه زیبایی‌شناسی و هنر، از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا مؤلفه‌ها یا نتیجه استنباط محقق از منابع مکتوب و یا برخی دیدگاه فردی صاحب‌نظران می‌باشد لذا جهت احصاء دیدگاه سایر صاحب‌نظران در مورد تناسب مؤلفه‌های ارائه شده با زیبایی‌شناسی و هنر این گام انجام پذیرفت.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها نشان داد که بیشترین میانگین (۴,۷۸) بدست آمده مربوط به گویه شماره ۲۶ می‌باشد که عبارت است از: «ارتقا جایگاه هنر در مدارس به‌عنوان یک حوزه یادگیری مهم» و کمترین میانگین (۳,۵۰) مربوط به گویه شماره ۳۶ می‌باشد: «توجه به ویژگی‌های جنسیتی دانش‌آموزان». بر این اساس دامنه تغییرات این میانگین‌ها برابر با ۱,۲۸ است؛ و میانگین میانگین‌ها برابر با ۴,۱۶ می‌باشد. بقیه نتایج ارزیابی میزان تناسب مؤلفه‌ها با زیبایی‌شناسی و هنر در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: فراوانی میزان تناسب گویه‌ها با زیبایی‌شناسی و هنر

دسته	مرکز دسته	میزان تناسب	شماره گویه‌ها	فراوانی	فراوانی درصدی
۰,۵-۱,۵	۱	خیلی کم	_____	۰	۰
۱,۵-۲,۵	۲	کم	_____	۰	۰
۲,۵-۳,۵	۳	متوسط	_____	۰	۰
۳,۵-۴,۵	۴	زیاد	۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳ -۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲ -۳۹-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۵۰-۵۱ -۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸ -۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۷ ۱-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵	۶۷	۹۲
۴,۵-۵,۵	۵	خیلی زیاد	۲-۳-۴-۲۶-۴۰-۴۹	۶	۸

جدول ۵ نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های بدست آمده در دو مرحله اول اجرایی تحقیق ۸ درصد خیلی زیاد و ۹۲ درصد به میزان زیاد با زیبایی‌شناسی و هنر تناسب دارند و فراوانی درصدی گزینه‌های متوسط، کم و خیلی کم صفر درصد می‌باشد از این رو کل مؤلفه‌های بدست آمده با حوزه زیبایی‌شناسی و هنر تناسب دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش دو منبع اساسی و پایه‌ای مطالعه شده است: منابع مکتوب و همچنین دیدگاه صاحب‌نظران دو رشته مطالعات برنامه درسی و هنر. حاصل این مطالعه مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی بود که در جدول ۴ آمده است. اعتباربخشی در زمینه میزان تناسب مؤلفه‌ها با حوزه زیبایی‌شناسی و هنر مطابق جدول ۵ نشان داد که همه مؤلفه‌های استخراج شده جزء مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر محسوب می‌شوند.

یافته‌های بدست آمده نشان داد که در عنصر هدف ۲ نوع مؤلفه وجود دارد (الف) مؤلفه‌هایی که مانند پرورش تخیل، خلاقیت و غیره جزء اهداف یک برنامه درسی مبتنی بر هنر و زیبایی‌شناسی می‌توانند به شمار آیند (ب) مؤلفه‌هایی مانند رعایت تناسب و انسجام بین اهداف، ارتباط اهداف با زیبایی‌های خلقت، کلی و قابل انعطاف بودن و غیره که می‌توانند اصولی برای تعیین اهداف به شمار آیند. در این میان انعطاف‌پذیر بودن اهداف و پرورش تخیل با یافته‌های مهرمحمدی (۱۳۹۰) و نوروزی و متقی (۱۳۸۸) همخوانی دارند. برای عنصر محتوا مؤلفه‌هایی ارائه شده که برخی را می‌توان به‌عنوان اصولی در نظر گرفت که به تلفیق هنر و زیبایی‌شناسی با سایر حوزه‌های یادگیری مربوط می‌شوند طوری که اگر بخواهیم در سایر حوزه‌های یادگیری از هنر و زیبایی‌شناسی استفاده نماییم می‌توانیم ۶ اصل مطرح شده مانند استفاده از کارشناس هنر در برنامه‌ریزی درسی و تعیین محتوا، تبیین وجه انسان‌گرایانه هنر، معرفی زیبایی‌ها، استفاده از قابلیت رشته‌های هنری و غیره را بکار بندیم. اصول دیگر در محتوا اصولی ملهم از عالم زیبایی‌شناسی و هنر می‌باشند که بر اساس آن‌ها می‌توان محتوای زیباشناسانه در برنامه درسی یک حوزه یادگیری خاص ارائه کرد برای مثال متعادل بودن، تحریک و بکارگیری ترکیبی از حواس پنج‌گانه، برقراری شباهت بین پدیده‌های مختلف به ظاهر ناهمخوان از آن دسته هستند.

در عنصر روش برخی فنون تدریس از قبیل روش‌های طبیعت‌گرایانه، پروژه‌ای و حل مسئله مورد تأکید قرار گرفتند و همچنین آراستگی معلم و آشنایی وی با هنر و زیبایی‌شناسی و قابلیت‌های آن در تدریس، سازماندهی فضاها، یادگیری بر اساس حوزه‌های یادگیری و پیش‌بینی منابع آموزشی چندرسانه‌ای و دیجیتالی مؤلفه‌هایی بوده که از دیدگاه زیبایی‌شناسی و هنر قابل توجیه هستند و برخی از این مؤلفه‌ها مانند فراهم نمودن موقعیت‌های مسئله مدار جهت شگفت زدگی، تأنی و تأمل زیباشناختی و زیباسازی فضای فیزیکی با یافته‌های مهرمحمدی (۱۳۹۰) و نوروزی و متقی (۱۳۸۸) همسویی دارند. مؤلفه‌هایی که از دیدگاه زیبایی‌شناسی و هنر برای عنصر ارزشیابی بدست آمدند بیشتر بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یا ارزشیابی یادگیرنده متمرکز هستند با این توضیح که مؤلفه‌هایی همچون توجه به بعد زیبایی‌شناسی آثار دانش‌آموزان، آزاد گذاردن دانش‌آموزان در انتخاب قالب بازنمایی مورد دلخواه برای ارائه دانسته‌های خویش و تقویت امید و عزت‌نفس یادگیرندگان بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و برخی مؤلفه‌ها از قبیل توجه به میزان وحدت و هماهنگی تمام قسمت‌های یک برنامه درسی برای ارزشیابی یک برنامه درسی اختصاص دارند و برخی از مؤلفه‌ها همانند خبرگی و نقادی آموزشی، استفاده از ارزشیابی کل‌گرایانه و باز در هر دو ارزشیابی برنامه درسی و یادگیرنده قابل اجرا هستند. استفاده از رویکرد کیفی، باز و کل‌گرایانه و همچنین توجه به فرایند و استفاده از راه‌حل‌های جانشین برای یک مسئله با یافته‌های مهرمحمدی (۱۳۹۰) و نوروزی و متقی (۱۳۸۸) و روی آوردن به نقد با یافته‌های فردت (۱۹۹۳) که بیان می‌کند کودکان آینده بایستی به سمت زیبایی‌شناسی به‌عنوان تحقیق فلسفی یا تفکر انتقادی پیش روند همسویی دارد.

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاکی از قابلیت هنر و زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک پارادایم و چشم انداز برای برنامه درسی است. این چشم انداز منبعث کننده مؤلفه‌هایی است که می‌توانند در کنار مؤلفه‌های ملهم از روانشناسی، فلسفه آموزش و پرورش، جامعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات و غیره قرار گیرند و تصمیمات برنامه ریزان درسی را متأثر سازند؛ به عبارت دیگر از آنجا که زیبایی‌شناسی به‌عنوان یکی از ساحت‌های وجودی انسان مطرح بوده (فوشی، ۱۹۷۴) و از سوی دیگر می‌تواند الهام بخش و وسیله تربیت باشد با کاربست مؤلفه‌هایی که در یافته‌ها بدان‌ها اشاره شده مطابق دیدگاه برودی، آیزنر، علامه جعفری و غیره می‌توان تربیت را از

بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای ...

طریق هنر و زیبایی‌شناسی به سرانجام رساند. نیل به این مقصود مستلزم آشنایی تصمیم‌گیرندگان و مجریان برنامه‌های درسی با این مؤلفه‌ها و جلب نظر آنان می‌باشد. البته یافته‌های این پژوهش برای یک برنامه درسی بدون توجه به دوره تحصیلی یا حوزه یادگیری خاصی مطرح شده و متناسب‌سازی آن با برنامه درسی دوره‌های تحصیلی و حوزه‌های یادگیری مشخص، نیازمند بررسی‌های دیگری می‌باشد.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۴). حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه‌ی هنر. تهران: نشر مرکز.
- بستانی، محمود. (۱۳۷۱). اسلام و هنر. ترجمه حسین صابر. انتشارات آستان قدس رضوی.
- برنامه درسی ملی. (۱۳۹۰). ارائه شده از سوی معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور. نگاشت چهارم.
- تاجدینی، علی. (۱۳۶۹). مباحثی در زمینه زیبایی‌شناسی و هنر، گردآوری از آثار استاد شهید مرتضی مطهری. انتشارات حوزه هنری.
- تاجیک، علیرضا و حسینی قلعه بهمن، سید اکبر. (۱۳۹۱). هنر و زیبایی در اندیشه آیت اله مصباح. فصلنامه معرفت فلسفی، سال دهم، شماره اول، پاییز ۹۱، صص ۱۹۸-۱۶۷.
- تایلر، رالف. (۱۳۸۳). اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزش. ترجمه علی تقی پور ظهیر. تهران: انتشارات آگاه.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۹). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- حسن زاده، روح اله. (۱۳۹۲). مقایسه دیدگاه‌های علامه جعفری و هری برودی درباره تربیت زیباشناختی. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- حسین زاده، محمدعلی. (۱۳۸۳). موسیقی از دیدگاه اسلام. انتشارات زعیم.
- رشید، خسرو؛ مهرمحمدی، محمود؛ دلاور، علی و قطریفی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی مراحل تحول زیباشناسی در دانش‌آموزان شهر تهران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۷، پاییز ۸۷.
- رضای الهی، محمود. (۱۳۵۴). فلسفه هنر. تهران: انتشارات مدرسه عالی ورزش.
- رضایی، منیره. (۱۳۸۳). بررسی نظریه زیبایی‌شناسی هری برودی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت. رساله دوره دکتری. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- سوانه، بیر. (۱۳۸۸). مبانی زیبایی‌شناسی. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. نشر ماهی.

شرفی، حسن. (۱۳۹۰). امکان کاربرد رویکرد تلفیق تولید هنری و مفاهیم علوم تجربی در آموزش هنر.

فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۹، سال دهم، پاییز ۱۳۹۰.

فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۶). به سوی هویت‌های جدید برنامه درسی. تهران: انتشارات آبیژ.

گال، بورگ و همکاران. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه

احمدرضا نصرافهانی و دیگران. تهران: انتشارات سمت.

مظهری الهامی، مجتبی. (۱۳۸۹). زیباشناسی و ره‌آورد هنری پیامبر اسلام. فصلنامه آفاق دین، سال اول،

شماره سوم.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). آموزش هنر، چيستی، چرایی و چگونگی. تهران: انتشارات مدرسه

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درس‌های خرد و کلان

برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. فصلنامه تعلیم و تربیت سال بیست و هفتم، شماره

۱، بهار ۹۰.

میلر، جی. پی. (۱۳۸۶). نظریه‌های برنامه درسی. ترجمه محمود مهرمحمدی. انتشارات سمت.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی اسلامی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. دو فصلنامه

زیباشناخت، سال یازدهم، شماره ۲۲، زمستان ۸۹

نوروزی، رضاعلی و متقی، زهره. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی از منظر علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن.

فصلنامه بانوان شیعه، سال ششم، شماره ۲۱.

والانس، الیزابت. (۱۳۸۸). پژوهش زیباشناسانه: نقد هنر. ترجمه محمود مهرمحمدی. مندرج در روش

شناسی مطالعات برنامه درسی اثر ادموند سی شورت ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران.

تهران: انتشارات سمت.

Amadio, Massimo et al. (2006). Instructional time and the place of aesthetic education in school curricula at the beginning of the twenty first century. Unesco International Bureau of Education. IBE working papers on curriculum issues NO.1.

Aschner, Mary. Jane. (1971). Teaching the anatomy of criticism. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicaco, London.

Arrowsmithe. William. (1971). Film as educator. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicaco, London.

Arnstine, Donald. (1971). The aesthetic as a context for general education. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicaco, London.

- Dewey, John. (1934). *The art as experience*. New York: Published at 1958 by Capricorn Books, G.P Putnam's Sons.
- Dewey, John. (1966). *Criticism abilities in the art*. Included at: *Readings in art education*. collected by Elliot Eisner & David Ecker W. Toronto: Xerox College Publishing.
- Eisner, Elliot. w. (1977). *Educating artistic vision*. New York: The Macmillan Company
- Eisner, Elliot. w. (2002). *The art and the creation of mind*. Yale university press/new haven and London.
- Eisner, Elliot. w. (2005). *Reimagining schools: the selected works of Elliot w. Eisner*. Published in the USA and Canada by Routledge.
- Fredett, Barbara W. (1993). *Aesthetics for the 21st century: Another challenge for education*. Included *Verbo-Visual Literacy: Understanding and applying new educational communication media technologies*. Selected readings from the symposium of the international visual literacy Association (Delphi, Greece, Jun 1993).
- Foshay, Arthur. w. (1974). *Toward human curriculum*. American educational research Association.
- Green, Maxine. (1984). *The art of being present: educating for aesthetic encounters*. Journal of education. Volum 166. Number 2. Trustees of Boston University.
- Henson, Kenneth T. (2010). *curriculum planning for the 21st century*. Waveland Press, Inc.
- Marsh, C.J. (2004). *Perspective: key concepts for understanding curriculum*. London and New York: Routledge Falmer.
- Phenix, Philip H. (1971). *the aesthetic realm of meaning*. Included at: *aesthetics and problems of education*. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicago, London.
- Piragasam, Grace & et al. (2013). *Music appreciation and self actualization of gifted students*. 6th international conference on university learning and teaching. Available at: www.sciencedirect.com.
- Prioli, Jessica and Chernobilsky Ellina. (2009). *Using art and mathematics together to help improve students' progress*. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree master of arts in graduate program Caldwell college.
- Read Herbert. (1954). *education through art*. New York: pantheon Books.
- Ritson, & Smithe, A, Ralph (1975). *Creative teaching of art in the elementary school*. Allyn & Bacon Inc.
- Rooney, Robin. (2004). *arts-based teaching and learning: review of the literature*. Prepared by Westat Rockville, Maryland.
- Simpson, Douglas. J; Jacson, Micheal. J. B and Aycoc, Judyc. (2005). *John Dewey and the art of teaching: toward reflective and imaginative practice*. Sage Publications. Thousand. London. Newdehli.
- Smithe, A. Ralph. (1971). *Justifying aesthetics education*. Included at: *aesthetics and problems of education*. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicago, London.
- Smithe, A. Ralph. (2004). *Policy and arts education*. included at: *Handbook of research and policy in art education*, Edited by Elliot. w Eisner and Michael, D. Day. pp. (87-92). Lawrence Erlbaum Associated, Inc.

- Smite, A.Ralph. (2008).educational aesthetics and Policy.the Journal of policy arts education review. Vol:109, No:6, July/Agust2008.
- Tomlinson Carol Ann et al. (2009). The parallel curriculum: a design to develop learner potential and challenge advanced learners. Second edition. National Association for Gifted children. Corwin Press.
- Venalainen, Paivi. (2012). Contemporary Art as a Learning Experience. The 5th Intercultural Arts Education Conference: Design Learning. Available at: www.sciencedirect.com.
- Wheeler,D.K. (1971). Aesthetic education and curriculum. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana,Chicaco,London.
- Wong,Siu.Man. (2005). An arts-based narrative approach to understanding curriculum and teacher development in Hong kong context. A thesis for the degree of doctor og education.Canada: University of Toronto.

